

The Role of the Revealed System of the Noble Qur'ān in the Strategic Futurology of Evolution

Ahmad Akoochekian¹, Marzieh Farajian^{2}*

1. Associate Professor, Head of Strategic Development Research Center, Qom, Iran
2. Master's Holder in the Quran and Hadith Sciences, Strategic Development Research Center, Qom, Iran

(Received: February 4, 2019; Accepted: October 15, 2019)

Abstract

After the era of the Prophet and the presence of the Infallible Imams (a) and in the era of deductive thinking, in the field of Qur'anic studies and the comprehensive system of exegesis, the Quranic research model, the combined method of sequential and revealed models, the thematic interpretation based on them in conceptualizing progress, and the strategic management system have not been properly organized, and the revealed system of the Qur'an as a reference model and criterion for strategic futurology of development has not been considered properly. What is the nature and role of the revealed system in processing the operational model of religion-based model of developmental progress in the strategic futurologist system of the target society and civilization from the perspective of thought processing methodology and strategic management of change? Re-analyzing the literature of strategic futurology and the mechanisms of development model and via pointing to the significance of the religion-based model of development, the present study seeks to prove that the revealed system is the basic rationale behind the time-based expansion of the conceptual model of the development model and the system (process and method) of strategic futurologist modeling reference that can be employed under the general model of evolution leadership for the ever-changing ideal human, society and civilization in the target society.

Keywords

Development model, Revealed system of the Qur'ān, Evolution leadership model, Interpretation methodology, Strategic futurology of evolution.

* **Corresponding Author:** m.farajian@ymail.com

نظام تنزیلی قرآن کریم در فرایند آینده‌نگاری راهبردی تحول

احمد آکوچکیان^۱، مرضیه فرجیان شوشتری^{۲*}

۱. دانشیار، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، قم، ایران

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳)

چکیده

پس از عصر بعثت و حضور معصومین و در عصر تفکر اجتهادی، در عرصه قرآن‌پژوهی و نظام جامع تفسیر، همچنان الگوی پژوهش تفسیری و سازوکار ترکیبی دو الگوی ترتیبی و تنزیلی و برآیندیابی در رویکرد تفسیر موضوعی، سامانی بایسته در عرصه اندیشه‌پردازی پیشرفت و نظام مدیریت راهبردی نیافته و نظام تنزیلی قرآن کریم به‌مثابه الگوی مرجع و معیار آینده‌نگاری راهبردی پیشرفت، دیده نشده است. از منظر روش‌شناسی پردازش اندیشه و مدیریت راهبردی تغییر، ماهیت و نقش نظام تنزیلی در پردازش مدل عملیاتی الگوی دین‌شناخت رشد - توسعه‌ای و در نظام آینده‌نگار راهبردی جامعه و تمدن هدف چیست؟ در پژوهش حاضر با بازتحلیل ادبیات آینده‌نگاری راهبردی و سازوکارهای الگوی پیشرفت و با اشاره به جایگاه الگوی دین‌شناخت پیشرفت، دریافتیم که نظام تنزیلی، منطق مبنا و حاکم بسط زمان‌مند مدل مفهومی الگوی رشد و نظام و سازوکار (فرایند و روش) مرجع الگوپردازی آینده‌نگار راهبردی است که در ذیل الگوی کلان راهبردی تحول برای گذار به انسان، جامعه و تمدن آرمانی همواره تازه‌شونده، در جامعه هدف جریان می‌یابد.

واژگان کلیدی

آینده‌نگاری راهبردی تحول، الگوی پیشرفت، نظام تنزیلی قرآن، الگوی راهبردی تحول، روش‌شناسی تفسیر.

پیشگفتار

قرآن کریم، کتاب هدایت به رشد (جن: ۲) تا برترین سطوح خودتوانمندی (اسراء: ۹) حکمت بنیان و عدالت‌گرای مردمان (حدید: ۲۵) انسان، جامعه و تمدن مخاطب است و سازوکار عینیت‌بخشی آموزه‌های آن در راهبری جهان معاصر مسلمانی و برسازای جهان جدید، اینک مهم‌ترین مسئله جهان اسلام است و کانون آن الگوی راهبری آینده‌نگار تحول خواهد بود. با وجود این خواهانی اصیل، کاستی حضور روش‌شناخت سره، جامع‌نگر و کارآمد الگوی راهبری راهبردی قرآنی که مستند به جریان سازوکار ترکیبی دو الگوی ترتیبی و تنزیلی قرآن کریم باشد، به چشم می‌آید و مرجعیت تعالیم قرآن کریم به‌گونه‌ای شایسته در اندیشه‌پردازی پیشرفت و نظام مدیریت راهبردی، به‌مثابه مرجع پارادایمی، الگوی معیار رشد و آینده‌نگاری راهبردی، در نظام پیشرفت و حیات فردی، اجتماعی و تمدنی، در راستای الگوی قرآنی تحول، به تفصیل تبیین نشده و جریان نیافته است.

در این میان و از منظر روش‌شناسی پردازش اندیشه و مدیریت راهبردی تغییر، ماهیت نظام تنزیلی و نقش آن در پردازش مدل مفهومی و عملیاتی الگوی دین‌شناخت رشد - توسعه‌ای و در نظام آینده‌نگار راهبردی جامعه و تمدن هدف چیست؟

عرصه‌های دانشی تازه‌ای مانند آینده‌پژوهی^۱ و آینده‌نگاری^۲ این پرسش را وضوح معرفت‌شناخت و روش‌شناخت افزون‌تری بخشیده است. تبیین خط آخر این دانش‌های تازه‌آمد، امکان‌گذار تحلیلی‌تری را به آغاز یک نگره تازه به عرصه اندیشه‌پردازی و مدیریت دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت شناخت دین بخشیده است و از این مجرا ورود به دو الگوی حضور قرآن در عرصه حیات بشری، یعنی الگوی ترتیبی و تنزیلی را مهیا می‌کند.

مفسران قرآنی بر اساس ترتیب مصحف موجود، تفاسیر اجتماعی، اجتهادی و تربیتی تألیف کرده‌اند؛ اما این رویکرد تفسیری، همچنان با «پژوهش مسئله رشد‌محور» و اهتمام به پردازش تفسیری «نظریه قرآن‌شناخت رشد» به مدد تفسیر ترتیبی، فاصله دارد.

-
1. Futures Studies
 2. Foresight

در راستای تکاپوهای تفسیری معاصر در نیمه دوم سده چهاردهم هجری قمری، اندیشه تفسیر بر اساس ترتیب نزول به میان آمد و شماری از دانشمندان علوم قرآنی، بر طبق روایات و اسباب نزولها، جدولها و ترتیب نزولهای متعددی بر اساس وثوق خود رقم زدند و به دنبال کشف منطق این ترتیب نزول بوده‌اند. تعداد اندکی از این شمار، به دریافت تحول فرهنگی فرد و جامعه از این منطق تنزیلی نظر داشته‌اند و با این رویکرد به تکامل و رشد فرهنگی جامعه و فرد بها داده‌اند؛ اگرچه هنوز چرخه تفکر تنزیلی اندیشمندان قرآنی به رشد کامل نرسیده و به آستانه ورود به نظام برنامه‌ریزی تربیتی - توسعه‌ای آینده‌نگار درنیامده و همچنان جایی در «الگوپژوهی پیشرفت» و به‌طور خاص «منطق مدیریت برنامه‌ای» تحول نداشته و از این رهگذر با اندیشه آینده‌پژوهی و سازوکار اقدامی آینده‌نگاری راهبردی نسبت دادوستدی نیافته و تنها قدم‌های آغازینی در جهت دریافت روش‌ها و الگوهایی از تفسیر تنزیلی و آموزه‌های قرآنی برای پیشبرد اهداف تحولی در جامعه هدف، در چارچوب الگوی مبنای مدیریت دین‌شناخت راهبردی اجتماعی برداشته شده است.

این مقاله با تبیین بنیان ایده آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری در چارچوب تبیین مراحل الگوپردازی راهبری تحول، مقدمه مناسبی در این فرایند جامع برای بازتعریف جایگاه نظام تنزیلی معین می‌کند و سهم تأثیر آن را در مرجعیت قرآن کریم و نیز مرجعیت سنت نبوی و اولیایی در گذار به الگوی درون‌زای آینده‌نگار راهبردی، نشان می‌دهد و چشم‌انداز تازه‌ای را پیش روی نظریه‌پژوهی پیشرفت، روش‌شناسی پژوهش تفسیری مسئله‌محور، دانش تمدنی، نظام مدیریت دین‌شناخت تحقیق و توسعه و «ولایت فقه در دین بنیان» و گفتمان‌پردازی‌های هر کدام از این دستاوردها می‌گذارد.

مقاله پیش‌رو تبیین این نظر است که نظام تنزیلی، روش‌شناسی مرجع در پردازش الگوی آینده‌نگار راهبردی پیشرفت (رشد - توسعه‌ای) قرآنی در فضای مقتضیاتی انسان و جامعه هدف محسوب می‌شود.

اول: چیستی نظام تنزیلی و ترتیبی در نظام پژوهش تفسیری

دین انبیا با تصریح به دو منبع وحی (به‌مثابه حجت ظاهر) و عقل جامع (به‌مثابه

حجت باطن)، دارای الگوی خودویژه‌ای برای تفسیر و تدبیر ترقی (رشد - توسعه) است. قرآن کریم کتاب هدایت به رشد محسوب می‌شود تا عقل جامع در نسبت با آن، بتواند در فرایند حکمی - اجتهادی روش‌مندی، این جریان تفسیر و تدبیر را راهبری کند.

دو سامانه ترتیبی و تنزیلی از عصر بعثت تاکنون، در اختیار مردمان است. پردازش نظریه دین‌شناخت پیشرفت (تبیین مبانی نظری و الگوی مطلوب) و امدار منظومه ترتیبی موجود قرآن کریم و سوره‌های آن است و طراحی الگوی راهبری تحول (پردازش نقشه راه مدیریت تحقیق و توسعه در فضای مقتضیاتی جامعه هدف) در اولین سطح تفکر راهبردی، در گرو استنباط منطق حاکم بر مدیریت آینده‌نگار راهبردی در رویکرد تنزیلی قرآن کریم خواهد بود.

دو وضع و ساختار در اساس شناخت، دو وضع و الگوی تفسیری دارد. نوع تفسیر موضوعی برگزیده، مبتنی بر این دو نگرش ساختاری تفسیری مبناست^۱:

۱. سامان ساختاری قرآن کریم، شکل ترتیبی کنونی آن از سوره مبارکه «الحمد» تا سوره مبارکه «الناس» است که از صدر ظهور اسلام تاکنون، بر این گونه ثابت بوده است (شاکر، ۱۳۸۹: ۹۱)؛

بنا بر نظر توقیفیت متن سوره‌ها (ن.ک: نکونام، ۱۳۷۸: ۲۶) و نوع پیوستگی ساختاری سوره‌ها با یکدیگر و چه بنا بر غیرتوقیفی انگاشتن ترتیب سوره‌ها، در نزد جامعه اسلامی، صدها تفسیر بر همین اساس نوشته شده است؛

۲. سامان ساختاری دیگر، سامان تنزیلی قرآن کریم است، سامانی که به ترتیب و تناسب اسباب نزول و در دو وهله دوران مکی و مدنی بر رسول خدا نازل شده است (معرفت، ۱۳۸۲: ۸۷). الگوی تفسیر تنزیلی قرآن کریم بر اساس ساختار نزول تاریخی در دهه‌های اخیر در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری قمری است و تفاسیری نیز بر همین اساس نگاشته و در دسترس جامعه اسلامی قرار داده شده‌اند (ن.ک: دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱: ۹؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۴) (رک: بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۷ و ۱۵۷؛ ن.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۳: ۹۳؛ ۱۳۸۹: ۳۶؛ ۱۳۹۲: ۳۵۵ و ۳۵۶؛

۱. برای مثال بسته به اینکه آیا الگوی تفسیر ترتیبی را مدلسازی سیستمی بدانیم یا خیر، نوع تفسیر موضوعی، تفسیر سیستمی موضوعی، یا تفسیری موضوعی جزءنگر خواهد شد.

۱۳۸۷: ۷۶؛ بازرگان، ۱۳۷۴: ۱؛ احمدعلی، ۱۹۹۶: ۳۹ تا ۵۱؛ موسی صدر، ۱۳۸۹: ۱۴؛ جابری، ۲۰۰۸، ج ۱: ۱۲ تا ۱۸؛ الضامر، ۱۴۳۵: ۴۵؛ نکونام، پایگاه مدهامتان؛ نکونام، ۱۳۸۰، مقدمه، نه، ده، دوازده؛ فراستخواه، ۱۳۹۳: ۱۲ تا ۲۱؛ عاملی، ج ۲، ۱۳۷۵: ۴۶؛ نیازمند، ۱۳۹۰: ۳۳ و ۳۴؛ رأفت سعید، ۱۴۲۲: ۳۹؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۴۸؛ حکیم، ۱۴۱۲: ۱۵ تا ۲۰).

مضرب‌های تکمیلی مؤلفه‌های مفهومی تعریف نهایی برگزیده از تفسیر تنزیلی، با نظر به نگرش اصول ارزش‌داورانه و برنامه‌ای و به قابلیت هدایتی قرآن کریم، به تعریف دانشی‌تر، تخصصی‌تر و کاربردی‌تر اینک شناخته می‌شوند:

۱. گذار روشن‌تر به نگرش برنامه‌ای و تحقیق و توسعه‌ای؛

۲. ورود افزون‌تر و روشمندتر روش‌شناسی پیش‌رونده و بازخورنده در روش‌شناسی استنباط به‌گونه‌ای که بتوان از مبانی نظری و ارزش‌داورانه در قالب یک نظام برنامه‌ای، رهسپار الگوی اجرایی و عملیاتی شد؛

۳. لحاظ آخرین دستاوردهای نظام دانش مدیریت از سویی و الگوهای آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری از سوی دیگر؛

۴. لحاظ سازوکار برنامه‌ای مرجع؛

۵. لحاظ ارتباط دادوستدی نظام تنزیلی و الگوی ترتیبی؛

۶. لحاظ نسبت برنامه‌ای قطعات نازل‌شده در منظومه‌های سوره‌ای دربردارنده تعداد مقدم یا مؤخری فرازهای نازل‌شده در دو بازه زمانی بلندمدت پارادایمی مکی (در جریان تربیت وجه انسانی) و مدنی (در جریان راهبری وجه علم‌اجتماعی) و در درون آن سوره در قالب فرایند جزءنگر برنامه‌ای؛

۷. لحاظ نسبت دقیق دادوستدی سنت برنامه‌ای با سنت نبی مدیر و رسول راهبر و یک دوره تفصیلی پس از آن در عصر اولیای معصومین، در دست نظام برنامه اقدام آموخته‌شده نظام تنزیلی؛

۸. مجالی افزون‌تر برای کاربرد روش‌شناسی‌های کارآمد در پژوهش سیستمی و تحقیق و توسعه‌ای.

از این رهگذر، تفسیر تنزیلی، پژوهش قرآن‌شناخت مسئله‌محور عینیت‌های نوبه‌نوشونده پیشرفت است که در مقتضیات مثالی عصر نزول با رویکرد آینده‌نگر و آینده‌نگار راهبردی در دادوستد شناختی با تفسیر ترتیبی یا پژوهش منظومه‌ای مدل مفهومی الگوی رشد قرار دارد.

این تحقیق سه سطح روش‌شناختی تفسیری را در درون خویش دارد:

۱. سه نظام تنزیلی، ترتیبی و موضوعی موجود در ساخت زبانی و متنی مباحث قرآن کریم که مستقل از فاهمه پژوهشگر اجتهادی قرآن کریم، اساس مفروض آموزه‌های آن کتاب کریم است و می‌تواند موضوع شناسایی قرار گیرد و به‌مثابه منطق فهم پیشنهادی قرآن کریم در استنطاق از آن کتاب تلقی شود. شخصیتی مانند ابولهب و جامعه بنی‌اسرائیل و تمامی قصه‌های قرآن کریم، یک موضوع تاریخی هستند که در برابرد کل مباحث قرآن کریم، هم از سویی آسیب‌شناسی و از سوی دیگر راهبردشناسی جبران و بازخوانی می‌شوند. هم از سویی برابرد سیستم و نظام مفاهیم است و هم از سوی دیگر فراتاریخی حاضر در سطوح گوناگون زمان امر انسانی است که به سطح برنامه‌ریزی راهبردی تغییر و تحول مربوط می‌شود؛

۲. الگوی پژوهش در نظام تنزیلی، ترتیبی و موضوعی به مفهوم نقشه پژوهش در نظام ترتیبی، تنزیلی و موضوعی است؛

۳. الگوی تنزیلی، ترتیبی و موضوعی در سامان‌بخشی نظام پژوهش پیشرفت‌شناخت و راهبردی به‌مثابه نقشه جامع و روش‌شناسی مرجع مدیریت نظام تحقیقات در دو سطح تفکر و مدیریت راهبردی. این سطح از الگوپژوهی نیز خروجی تکاپو در گام اول است که اینک در سامان‌بخشی نقشه جامع علم و علمی هر گونه الگوی تفکر تا مدیریت راهبردی دین‌شناخت معرفی می‌شود. به سخن دیگر این سطح سوم از الگو، به اعتبار کارکرد سطح اول است.

اینک می‌توان عقلانیت حکمی برابندی از «منظومه دادوستدی الگوی ترتیبی و تنزیلی» و نیز «سنت نبوی و اوصیایی» را در ضمن یک «نقشه راه» به سامان آورد.

دوم: مدخل آینده‌پژوهی تا آینده‌نگاری با دو الگوی قرآنی

نظام تنزیلی قرآن کریم منطق حاکم بر نظام برنامه‌ریزی آینده‌نگار راهبردی بوده و سنت

آل‌البیت (ع) این منطق مبنا را، توسعه سازوکاری (مفهومی، فرایندی و روشی) بخشیده است. تبیین این نظر نیازمند مدخلی تحلیلی درباره آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری خواهد بود. برای نیل به پیشرفت، رویکرد آینده‌پژوهانه ضرورت دارد. فراگرد پیشرفت، فراگردی پیچیده است که باید در ورای نسل و عصرها دنبال شود (پورعزت؛ ۱۳۸۹: ۷۴ و ۱۶۵). همواره مسائل راهبردی و کلان کشور را باید در بعد زمان ملاحظه کرد. زیرا اهداف راهبردی چون پیشرفت، در قالب برنامه‌های بلندمدت از حال تا آینده دور، برنامه‌ریزی می‌شوند (کان، ۱۹۹۴: ۱۰۴) بلوغ معنایی و کارآمدی تصمیم‌سازی و سیاستگذاری در گره خوردن با بصیرت‌های آینده‌پژوهانه است (رک: تقوی، ۱۳۸۷، بی‌جا؛ خزایی، ۱۳۸۷) و از این رهگذر آن‌چنان قیمتی می‌یابند که دیگر نگرش‌ها و رویکردها را هم دچار تحول خواهد کرد. کارکرد درونزای دانش آینده‌پژوهی و فناوری آینده‌نگاری در فضای پارادایمی - ارزشی قرآنی - اولیایی ضرورت یک منطق مرجع را پیش می‌کشد (نک: پاپر، ۱۳۸۹، مقدمه). روشن‌بینی به مرجعیت نظام تنزیلی قرآن کریم برای آینده‌نگاری راهبردی پیشرفت نیازمند دو گام شناختی ابتدایی، یکی نگره بیرون‌دینی و آینده‌پژوهی و دیگری نگره دین‌شناخت آینده‌پژوهی - آینده‌نگاری است.

نگره بیرون‌دینی و آینده‌پژوهی

قرآن مجید، راهبری به جهت برتر هستی در متن عینیت زمان امر انسانی، راهبری رشد وجودی و راهبری برنامه‌ای در زمان، سه اصل پایه زیست‌فردنگر، جامعه‌نگر و تمدن‌نگر دینی را دربرمی‌گیرد (رک: حکیمی، ۱۴۰۹: ۳۱). اندیشه دین‌پژوهی پیشرفت، خاستگاه معرفت‌شناخت تنزیل‌پژوهی است.

هر مکتب و رویکرد داعیه‌دار نظریه‌داری پیشرفت و الگوداری راهبردی تحول، باید منطق مدیریت زمان و منطق مدیریت برنامه‌ای تغییر و تحول مطلوب موردنظر خویش را در زمره اصول و اوصاف خودویژه مکتب خویش در نظر داشته باشد و پیش‌روی انسان و جامعه هدف قرار دهد تا شالوده‌های تمدنی مطلوب خویش را پایه‌گذاری کند و در خط افق برگزیده خودبان‌مبانی، آرمان‌ها و رسالت جایگیر در سند مرجع‌الگوی پایه پیشرفت خویش بشود. مدیریت این‌گونه‌ای تغییر، معطوف به آینده مطلوب در قالب یک

نظام برنامه‌های معین از موقعیت‌های ممکن گوناگون، در فرایندی از آینده‌پژوهی تا آینده‌نگاری ممکن است (ن.ک. عالی‌زاده، ۱۳۸۸) ضرورت در اختیار داشتن این دو مقوله نظری - اقدامی، با بنیان‌های پارادایمی درون‌زای آن ناگزیری داشتن الگوی مرجعی برای تدبیر بایسته این دو مقوله را، با روشنی افزون‌تری یادآوری می‌کند.

در راستای تعریف برداشتی از آینده‌پژوهی، کارگروه فورن^۱ (به نقل صلاحی کجور، ۲۰۰۱: ۱۶) «آینده‌نگاری» را این‌گونه تعریف می‌کند: «آینده‌نگاری فرایندی نظام‌مند گردآوری اطلاعات، نگرش‌ساز و معطوف به آینده، در افق میان‌مدت یا بلندمدت است که تصمیم‌های امروز و اقدام‌های پیش‌برنده به‌هم‌پیوسته را هدف گرفته است. آینده‌نگاری از همگرایی روندهای نهان‌شده در توسعه حوزه‌های دانشی تحلیل سیاست، برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌پژوهی پدید آمده است». آینده‌نگاری راهبردی به آینده‌نگاری مسائل و موقعیت‌های راهبردی نسبت داده می‌شود. در واقع فرایند آینده‌نگاری راهبردی، به افزایش درک فرد، سازمان یا جامعه از مخاطره‌ها و فرصت‌های مساوی با مرگ و زندگی سازمان نوپدید، وابستگی به مسیر، پیشران‌ها، هم‌تکامل‌ها، انگیزه‌ها، نیروها و روابط علی در مدیریت تغییر می‌انجامد (ن.ک. یونیدو، ۱۳۸۷) مجموعه این عوامل بر تصمیم‌های بدیل تأثیر می‌گذارند و فضای آینده‌های ممکن، باورکردنی، محتمل و مطلوب را شکل می‌دهند. این درک بهتر، سبب تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر در مسائل گوناگون می‌شود، تصمیم‌هایی که به طرح راهبردی عمومی سازمان و ابزارهای دستیابی به اهداف بلندمدت آن ارتباط دارند (از کوسا، ۲۰۱۱ به نقل از صلاحی کجور، ۱۳۹۳: ۱۶). آینده‌نگاری نیز فرایندی از جنس پیش‌بینی^۲ را فراهم می‌کند، به این معنا که دورنماهای گوناگون را تصویر و جامعه را برای استقبال از آینده و مدیریت آرمان‌گرای آن آماده خواهد کرد. این زمان است که باید با بهره‌مندی از بینش جدید، برای اقدام امروز تصمیم گرفت. میشل گوده^۳ در این زمینه می‌گوید: «آینده‌نگاری راهبردی^۴ پیش‌بینی را به خدمت اقدام

1. Foren
2. Forecast
3. Michel Godet
4. Strategic Foresight

در آورده و به هم‌افزایی‌های عظیم و استعدادی میان آینده‌نگاری و راهبرد تکیه می‌کند. ترکیب آرمانی رویکردی است که از سناریونویسی (تصویر تفصیلی موضوع و اقدام برنامه‌ای) برای برنامه‌ریزی راهبردی بهره می‌برد» (گوده، ۲۰۱۱: ۲۵). با این دیدگاه، آینده‌نگاری پاسخی طبیعی به نیازهای راهبردی است (صلاحی کجور، ۱۳۹۳: ۲). در این رویکرد می‌خواهیم آینده را در دسترس اقدام امروز قرار دهیم. برای این مهم، گام‌هایی لازم است:

۱. آینده، در صورت و نماد زمان‌مایه آرمان و نظام‌های مطلوب پیشرفت بازتعریف شود؛

۲. الگوی آینده‌نگاری مضمون اصیل الگوی راهبری راهبردی زمان‌مایه پیشرفت تلقی شود؛

۳. رویکرد آینده‌پژوه و آینده‌نگار راهبردی پیشرفت، در متن سازوکارهای راهبری فرایند زمان‌مند تغییر، در الگویی مطبق (سازوکارها بر فراز یکدیگر) رو به افق پیشرفت سامان یابد؛

۴. منظومه سازوکاری یادشده در ذیل یک نظریه معین پارادایمی و ارزشی، و مستند به یک مدل مفهومی جامع رشد، سامان هماهنگ درونزا بیابد؛

۵. نظام برنامه مرجع تبدیل سازوکارها، در ضمن نظام دیرند مبنای فراتاریخی تحقق یافته است که در نمونه قابل پی‌آیند تاریخی آینده‌نگار، استنباط شده و در دسترس است. بدینسان، جریان آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری و اسناد ناظر به آن، از الزامات اصلی سند قلمداد شود.

ابتنای این حوزه نظر - اقدام را به یک الگوی مرجع نشان می‌دهد و در گام آغازین نیازمندی‌های آن، ساختار تحلیلی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. نیازمندی به سطح مبانی به مباحثی مانند ظهور و انتظار، موضوع زمان و کثرت ازمنه و عدم قطعیت‌های محیطی؛

۲. نیازمندی به یک تصویر روشن از آرمان و نظام‌های مطلوب که در محیط آینده نیز، دغدغه‌ساز و انگیزه‌بخش باشد و نیز اصل آینده‌نگری جامعه هدف تا سطح تمدن آرمانی؛

۳. نیازمندی به شناخت موقعیت‌های ممکن در آینده به‌مثابه مصداق‌های الگوی راهبری؛

۴. نیازمندی به سازوکارهای سامان‌یافته در قالب یک نقشه راه جامع در دو وجه نگاهت مسیر دانشی و نگاهت مسیر اقدامی و راهبرنده؛

۵. نیازمندی به منابع انسانی آینده‌نگار از سطح الگوهای عینی فاعل تغییر مطلوب تا منابع انسانی اقدام‌گر، با ویژگی‌های پیوسته با الگوی مطلوب انسانی.

دین الگوی راهبری به آرمان رشد بر بنیان دو حجت ظاهر و باطن است که برآیند یافته در یک الگوی عینی زیسته (سنت نبی - اوصیایی) برآیند یافته است که باید قابلیت راهبرندگی آن در این فرایند آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری آشکار شود. ماهیت معرفت‌شناخت وحی انبیایی، منطق مرجع آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری را در خویش دارد. تصویر تحلیلی از آینده مطلوب در نگره کلان قرآنی، تفسیر سنت آل‌البیت (ع) و در فلسفه ختم و نبوت و نیز فلسفه غیبت حضرت حجت (عج) در ضمن آموزه‌های دینی، ملحوظ نظر است. ماهیت نزولی قرآن کریم، این منطق مرجع را دارد.

ظرفیت آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری آموزه‌های اسلام، مستند به ماهیت معرفت‌شناخت حکمت دینی - قرآنی، برآمده از یک فرایند درونزای دین‌شناخت از مبانی نظری تا آرمان و نظام‌های مطلوب، تا افق و نظام تدبیر برنامه‌ای معینی است.

نگره دین‌شناخت آینده‌پژوهی - آینده‌نگاری

روشن‌بینی به ظرفیت جریان آموزه‌های دین در متن عینیت و زمان - مکان و مدیریت برنامه‌های موقعیت فردی، اجتماعی و تمدنی و اصالت‌های درونزا و دین‌شناخت مدیریت زمان و مدیریت برنامه‌ای تغییر، نگره خودویژه معرفت‌شناختی و راهبرنده‌ای را به دو مبحث آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری ایجاد می‌کند.

سؤال این است که: آینده‌پژوهی اسلامی و مدل اسلامی آینده‌نگاری راهبردی، دارای چه عوامل نقش‌آفرین معینی است؟ اجزای مؤثر در انواع فضای مقتضیاتی آینده‌نگاری راهبردی کدامند و در ضمن چه فرایند مناسبی اتفاق می‌افتد و برای آینده‌نگاری راهبردی اسلامی در فضای مقتضیاتی جامعه هدف مانند جهان معاصر ایرانی چه سازوکاری دارد؟

مضمون آینده‌نگری و نگاری تعالیم اسلامی در دو وجه «معناشناسی» و «نظام و سازوکار مدیریتی» بررسی می‌شود:

۱. در وجه مفهومی و شناختی سامانه تعالیم و کارکردهای آن:

۱. ۱. وجه مفهوم‌شناسی: ماهیت معرفت‌شناخت اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و علم دینی و نظام نسبت علم دینی و عمل و اقدام توسعه‌ای (حکمت نظری و عملی: چارچوب شناختی - هنجاری) تا تبدیل به نظام نظری - عملی دینی بررسی می‌شود و این فرایند تا انضمامی شدن منظومه آینده‌نگار تفقه در دین و در گذار به شکل‌گیری هویت اجتماعی، با اصول سامان‌بخشی چون نگرش به انسان و خدا و حقیقت دین، دامنه انتظار از دین، ماهیت جامعه آرمانی (امت)، بیان نقش اراده انسانی در تدبیر تغییر و تاریخ خویش (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۴۹) و انتظار فرج ادامه می‌یابد. ماهیت قرآن‌شناخت زمان امر انسانی و به طور خاص فلسفه تاریخ و نسبت اراده آزاد و اختیار خلاق انسانی با قضا و قدر (طباطبایی، ج ۱: ۱۴۱۷: ۱۰۶ تا ۱۱۰) در حکمت اصیل آیات (رعد: ۱۱) و خودتوانمندی عدالت‌بنیاد مردمان (حدید: ۲۵) و مردمسالاری دینی، اصل مهدویت به‌مثابه اندیشه‌ای معطوف به آینده و نقش آن در تعیین راهبردها بر اساس آینده موعود و وضعیت‌های ممکن و محتمل و مرجح (کارگر، ۱۳۸۹: ۷۶)، حکومت جهانی موعود (نور: ۵۵) و نیز آینده‌نگری‌ها در الگوی ترتیبی منابع انسانی متجلی می‌شود؛

۱. ۲. سنت اولیای معصومین(ع): پیش‌بینی‌ها و سفارش‌های اولیای معصومین چونان امام علی(ع) و امام حسین(ع) و عملکردهای راهبردی آنان، به تناسب مقتضیات پیش رو؛ ۲. در وجه «نظام و سازوکار مدیریتی»: مدل اسلامی آینده‌نگاری راهبردی در فضای مقتضیاتی جامعه هدف در دو سطح عملی را، زمانی می‌توان ارائه داد که در عمل فعالیت‌های موفقی در این عرصه انجام گرفته باشد. در دو سطح فرایندی ذیل:

۱. ۲. ۱. نمونه روش‌شناختی فرایند قرآنی برنامه‌ای مدیریت تغییر، در نظام تنزیلی قرآن کریم؛ ۲. ۲. فرایند قرآن‌شناخت سنت آل‌البیت(ع) در صیروت دوره‌ای مدیریت موقعیت امام به امام و هر امام، چونان از امام حسن مجتبی به امام حسین، به امام سجاد، به امام باقر(ع).

برای پردازش مدل مرجع اسلامی آینده‌نگاری راهبردی و مضمون‌بخشی و صورت‌سازی و مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی دین‌شناخت الگوی مدیریت پیشرفت، در فضای مقتضیاتی و شرایط پایدار جامعه هدف (مانند شرایط جامعه ایرانی)، دو تجربه مرجع مطبق و بر فراز یکدیگر، برای سازماندهی قرآن‌محور نظام برنامه توسعه‌ای، در جامعه هدف وجود دارد.

اول: باید یک گذار بزرگ به آینده‌پژوهی دین‌شناخت و جریان‌بخشی آن در نظریه و مدل اسلامی - ایرانی آینده‌نگاری راهبردی داشت؛

دوم: الزامات و نیازمندی‌های تحقق سریع‌تر این گذار را فراهم کرد.

سوم: نقشه راه کارکرد دو الگوی ترتیبی و الگوی تنزیلی در پردازش الگوی قرآن‌شناخت پیشرفت در مقتضیات جامعه هدف، خلاصه چارچوب مفهومی

کارکرد متعامل دو نظام ترتیبی و تنزیلی در پردازش «مدل قرآن‌شناخت مفهومی رشد در «نظریه پیشرفت» به مدد الگوی ترتیبی و «مدل برنامه‌ای آینده‌نگار راهبردی»، کارایی دارد.

در این نقشه‌راه، به‌منظور طی فرایند نظریه‌پژوهی قرآنی رشد، به مدد جمع‌بندی نسبت دو الگوی ترتیبی - الگوی تنزیلی، چارچوب روش‌شناخت آغازینی از مدل قرآنی، نبوی و اوصیایی آینده‌نگاری راهبردی و تناسب عقلانیت اجتهادی - حکمی با فرایند آنها با محوریت الگوی تنزیلی عرضه می‌شود.

الگوی جامع مدل، الگوی هنجاری آینده‌نگاری راهبردی انتخاب شده است و سپس در فرایند مدل‌سازی با تکیه بر نظام معارف اسلامی و مبانی فکری، و با پیش‌فرض‌های خاص موضوع، ابعاد مختلف مدل تبیین می‌شوند. مجموع این داده‌ها، چارچوب مفهومی این مدل روش‌شناختی را تشکیل می‌دهند.

خلاصه این چارچوب مفهومی شامل این رئوس است:

۱. پیش‌فرض‌های مدل: عقلانیت بیرون‌دینی یا فلسفه دینی مقدماتی، برای ورود به

عقلانیت درون‌دینی و الگوی حکمت قرآنی، اصولی را مفروض آغازین می‌کند که در مجالی شاید تفصیل یابد؛

۲. سامان نظریه رشد در ضمن الگوی ترتیبی (چارچوب شناختی هنجاری در ضمن سامانه مفهومی رشد) در سه سطح تحلیلی نظریه قرآن‌شناخت پیشرفت را به معرض می‌آورد. سه سطح نظریه یادشده:

۱. ۲. مبانی بینشی و پارادایمی با مباحثی چون توحید، معاد، تحقق وعده‌های الهی، جریان داشتن سنت‌های الهی، عدم تفکیک دنیا و آخرت، نظام امامت و ولایت فقیه، مردم‌سالاری دینی، مسئولیت‌پذیری انسان، مهدویت، قابل جریان‌یابی سامان‌مند در دو منظومه ادراکی در دادوستد گزاره‌های حقیقی و اعتباری، منتج به سطوح معارف پارادایمی تا معارف ارزش‌دوارانه تا معارف تحقیق و توسعه‌ای؛

۲. ۲. مبانی ارزشی: الگوی نظام‌های مطلوب، در سه سطح نظام ارزش‌های معطوف به آرمان رشد، نظام مطلوبیت‌های تغییر (نظام فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ...) تا اصول ارزش‌دوارانه نقد وضعیت موجود، راهبردگذاری و پایش و نظارت. اتخاذ ارزش‌ها و روش‌هایی برای رسیدن به مقصد، مبتنی بر اعتقاد و مبانی، لازم است. مبانی اعتقادی به‌عنوان مبدأ، می‌توانند جهت رسیدن به مقصد را مشخص کنند. بنابراین با توجه به تفاوت در مبانی نظری، ارزشی و روشی، تفاوت در روش و جهت برای رسیدن به مقصد تصورشدنی است؛

۲. ۳. از رهگذر مدل‌شناختی - هنجاری مفهومی الگوی پیشرفت، می‌توان به نظام، سپهر و عرصه انسان و جامعه هدف وارد شد و راهبری راهبردی اقتضایی کرد.

دو پیش‌نیاز برجسته برای گذار از مدل مفهومی به مدل عملیاتی عبارتند از:

۲. ۳. ۱. شناخت نظام سپهر: نگرش‌ها به زمینه نیازها و نگرش‌های درونزای دین‌شناخت ناظر به شرایط پایدار جامعه هدف، زمینه‌ساز بومی شدن روش، فرایند و خروجی مدل هستند؛

۲.۳.۲. اسناد بالادستی: مستندات الگوی مدیریت پیشرفت و چکیده اقدامی آن که در اسنادی مانند سند افق چشم‌انداز بیست‌ساله، سند نقشه جامع علم، سند تحول در آموزش و پرورش و اسناد بالادستی حوزه‌های فرهنگ، سیاست، اقتصاد، امنیت و دفاع استحصال شدنی است؛

۳. الگوی راهبری آینده‌نگار تحول برنامه‌ای: جامعه مسلمانان در عصر غیبت به برکت وحی انبیایی، سنت انبیایی و مصطفای رسول (ص) و اولیای معصومین (ع) سه دسته سند مرجع رشد و حیات طیبه یعنی قرآن کریم، سنت نبوی و سنت آل‌البیت (ع) در اختیار دارد و در دادوستد مستمر با عقلانیت جامع معطوف به تغییر، می‌تواند الگوی مرجع نظام راهبری تحول برنامه‌ای جامعه هدف باشد. منطق درونزای حاکم بر نظام تنزیل قرآن کریم، الگوی مرجع راهبری آینده‌نگار تحول است. «توجه به ترتیب نزول، تقویم نزول و اسباب نزول و شأن نزول (رک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳۵ و ۲۳۶)، اصول خودویژه شناخت این الگوست» (رک: هاشمی، ۱۳۸۹: ۸۶؛ اکرمی، مرتضوی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

ترسیم دورنماهای مرجع، با چشم‌انداز بلندمدت، میان‌مدت، در ضمن فرایند آینده‌نگاری، به مدد این الگوی مرجع بدین‌گونه انجام می‌پذیرد:

۳.۱. حادثه‌های شأن‌نزولی به‌عنوان موقعیت‌های سبک زیستی، در عصر بعثت رخ نموده‌اند و کلام راهبرنده و حیانی آن نازل شده است. فرایندهای آینده‌نگار، در مرحله تمهید و بسترسازی فرایند آینده‌نگاری (شأن‌نزول‌شناسی)، سه گام را تشکیل می‌دهند:

اول) دیدبانی یا داده‌آوری: در این گام به دنبال آن هستیم که چه چیزی رخ می‌دهد؟

دوم) آینده‌نگاری مقدماتی یا تحلیل: در این گام تحلیل می‌شود که چه چیزی در حال رخ دادن است؟ بدین‌گونه سبب نزول معین می‌شود؛

سوم) آینده‌نگاری پیشرفته: در این گام با تفسیر و تحلیل، حقیقت رویداد بررسی می‌شود و با درگذشتن از سبب نزول در موقعیت مثالی پی‌آینده رویداد محتمل، مقصود نظر تبیین می‌شود؛

۳.۲. در ارزیابی وضعیت اقتضایی و به تعبیری دیگر شأن‌نزولی، فرایند راهبری، در

چارچوبه نظام‌های وضعیت مطلوب و در تأمین افق مطلوب، به تناسب مقتضیات پایدار پیش‌رو عمل می‌کند.

فرایند اصلی راهبری در سه مرحله شکل می‌گیرد که جهت‌دهنده مرجع آن در سطح نظری، معین و در سطح فرایندی، همان الگوی تنزیلی است.

اول) ارزیابی گزینه‌های راهبردی: بررسی راهبردهای ممکن و ارزیابی آنها با دورنماها، وظیفه این گام است. دو گام آینده‌نگاری پیشرفته و ارزیابی گزینه‌های راهبردی، مرحله اصلی آینده‌نگاری یعنی پردازش را تشکیل می‌دهند؛

دوم) گزینش راهبرد: در این گام انتخاب راهبرد مطلوب صورت می‌گیرد؛

سوم) تدوین رهنمودهای سیاستی: در این گام تلاش می‌شود که خروجی نهایی برنامه‌های عملیاتی یا بسته‌های سیاستی در عرصه‌های علم، فکر، معنویت و زندگی و اقدام توسعه‌ای ارائه شود. دو گام گزینش راهبرد و تدوین بسته‌های سیاستی به‌عنوان مرحله تصمیم‌گیری شناخته می‌شود.

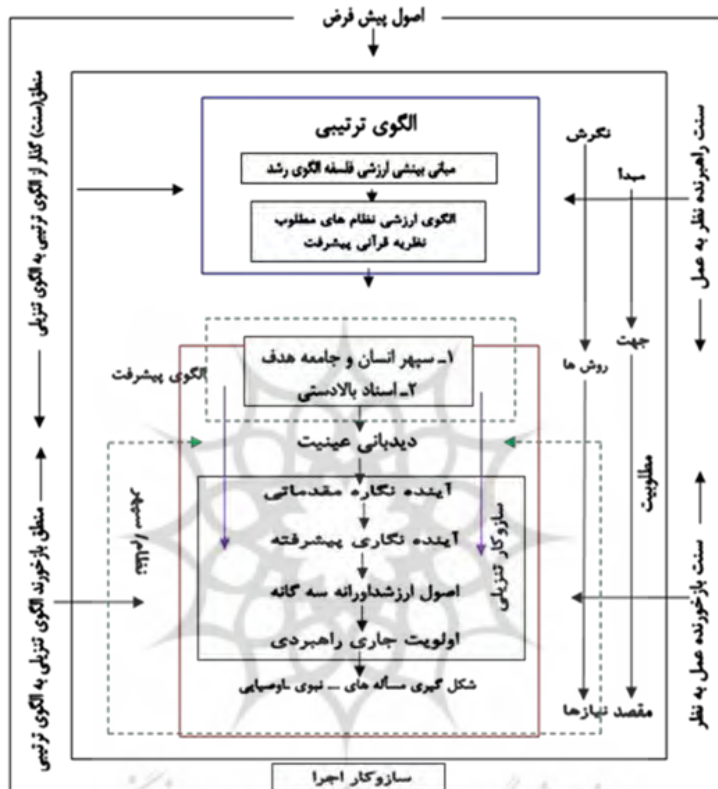
برای تبیین روشن‌تر و جامع‌تر ارتباط این اجزا، می‌توان از یک نمودار ترسیمی ساده شده استفاده کرد؛

۴. بازخوردهای مدل: تأثیر متقابل فرایند آینده‌نگاری راهبردی بر خط‌مشی‌های الگوی استنباطی پیشرفت (از طریق مشارکت حداکثری برای اصلاح الگو، تحقق اهداف پیشرفت الگو) و سند چشم‌انداز (از طریق ترسیم دورنماهای بدیل برای بازنگری، و ارائه راهبردهای کلان همسو با چشم‌اندازهای بلندمدت و میان‌مدت). اگر بازخورد در سه حیطه مبانی پارادایمی (و از جمله متافیزیک) و نظام ارزش‌های مستند و روش و سیاست باشد، بهترین ابزار برای بومی‌سازی است؛

۵. سنت آل‌البیت (ع) در دو سطح نبوی و اوصیایی، این ساختار دوجهی ترتیبی و تنزیلی و دو فرایند پیوسته مفهومی و عملیاتی را تفصیل نظری - کاربردی تر راهبردی بخشیده است تا قابلیت دانش‌بنیانی و مدیریتی آن

آشکارگی تفصیلی تر و افزون تری بیابد. تفاوت میان سنت آل البیت (ع)، تنوع‌های فراگیرنده مدیریت‌های هماهنگ راهبردی در راستای یک الگوی واحد آینده‌نگار است.

شکل ۳: جریان مستمر سنت نبوی- اوصیایی در فرایندهای رشد



شکل بالا خلاصه چارچوب مفهومی مدل را نشان می‌دهد.^۱

۱. این شکل بیانگر الگوی ترتیبی، مبانی بینشی ارزشی فلسفه الگوی رشد و الگوی ارزشی نظام‌های مطلوب نظریه قرآنی پیشرفت است. در الگوی تنزیلی با توجه به سپهر انسان و جامعه هدف، اسناد بالادستی، دیدبانی عینیت به دست می‌آید که در خلال آن، باید به آینده‌نگاری‌های مقدماتی، پیشرفته، ارزش‌دآورانه و اولویت‌های جاری راهبردی توجه جدی شود و به شکل مسئله‌محور، زندگی انبیا و اوصیا را الگوی قرار داد. در این مدل همزمان با منطق پیش‌رونده و بازخورد از عمل تا نظر که ما را از مبدأ به مقصد می‌رساند، باید به نگرش‌ها، روش‌ها و نیازها توجه داشت.

یافته‌ها و پیشنهاده‌ها

الف) نتایج و یافته‌ها

۱. وجه آینده‌نگار متاتئوری پیشرفت و قابلیت گذار از نظریه‌شناسی پیشرفت به الگوشناسی راهبردی تحول، در اولین سطح روش‌شناخت خویش، وامدار یک منطق مرجع جریان‌بخش مضمون اصیل وحی قرآنی در عینیت زمان، یعنی منطق تنزیلی قرآن کریم است؛
۲. آینده‌نگاری فرایند نظام‌مند گردآوری اطلاعات، نگرش‌ساز و معطوف به آینده، در افق میان‌مدت یا بلندمدت است که مدیریت تغییر، معطوف به آینده مطلوب در قالب یک نظام برنامه‌ای معین از موقعیت‌های ممکن گوناگون، در فرایندی از آینده‌پژوهی تا آینده‌نگاری ممکن است؛
۳. اصل کارآمدی فکر دینی و در کانون آن اندیشه قرآنی، تابعی از تناسب دادوستدی الگوی ترتیبی - تنزیلی قرآن کریم است. هر جامعه‌ای باید از زاویه سازوکارهای خود مورد توجه قرار گیرد و به دنبال کشف و رشد سازوکارهای خودویژه پیشرفت خویش باشد؛
۴. الگوی تنزیلی قرآن کریم، منطق مرجع آینده‌نگاری راهبردی تولید تاریخ و تمدن در جامعه بشری و تکاپوی برنامه‌ای توسعه‌ای و سطوح مطبق سامانه سازوکاری تحقیق و توسعه دین‌شناخت است. گذار از نظریه دین‌شناخت پیشرفت، به الگوی راهبردی تحول و تحقق ولایت‌مندی «تفقه در دین»، حکمت قرآنی - اوصیایی و نیز مطالعات آینده‌پژوهی راهبردی در فضای اندیشه‌ای و گفتمانی دین‌شناخت پیشرفت هر گونه مقتضیات پایدار، وامدار رسمیت شناختن جایمندی و کارکرد الگوی قرآن‌پژوهی تنزیلی است؛
۵. سنت نبوی و اوصیایی (ع)، الگوی روشمند نسبت دادوستدی نظام ترتیبی و تنزیلی قرآن کریم در تفسیر و تدبیر رشد بسط عینی و اقدامی دو نظام جامع توقیفی و بسط عینی و اقدامی دو نظام جامع توقیفی است. یک رکن روش‌شناختی شناخت نقش سنت نبوی - اوصیایی، وامدار تبیین ماهیت و کارکرد الگوی تنزیلی است؛
۶. در جمع‌بندی الگوی ترتیبی و تنزیلی الگوی جامع مدل، الگوی هنجاری آینده‌نگاری راهبردی به دست می‌آید و سپس در فرایند مدلسازی با تکیه بر نظام معارف اسلامی و

مبانی فکری و با پیش فرض‌های خاص موضوع، ابعاد مختلف مدل تبیین می‌شوند. مجموع این داده‌ها، چارچوب مفهومی این مدل روش‌شناختی را تشکیل می‌دهند. فرایند خودویژه آینده‌نگاری راهبردی، متأثر از منطق مرجع تنزیلی، از مراحل داده‌آوری اولیه تا سطوح سیاستی توسعه‌ای را شامل می‌شود؛

۷. سرنوشت سره نظام جمهوری اسلامی ایران و هر گونه مدنیت معاصر و دولت - ملت اسلامی، وامدار جریان این منطق مرجع در نظام تربیتی و توسعه ملی است. تحقق نظام مدنی و حاکمیتی جمهوری اسلامی حاجتمند این منطق مبنا در نظام تحقیق و توسعه خویش خواهد بود.

۸. یک چارچوب گزاره‌ای تفکیک‌پذیر در تبیین دامنه معناشناخت الگوی تنزیلی قرآن کریم که به مدد عقلانیت اجتهادی باید جنبه کاربردی و عملیاتی در راهبری قرآن‌شناخت جامعه هدف بیاید، به چهار وجه فاعلی (افراد و نهادهای فاعلان تغییر)، فعلی (فرایندها و روش‌های راهبری رشد - توسعه‌ای)، مفعولی (موضوع و مخاطب یا انسان، جامعه و تمدن هدف) و قیدی (هماهنگی زمانی سامانه و زمانه‌شناسی در ذیل نظام برنامه‌ای معین) به مثابه چارچوب مفهومی شناخت الگوی تنزیلی به کار گرفته می‌شود. چارچوب مزبور به‌نوبه خود عضوی از سامانه مدیریت تغییر است که به مدد الگوی ترتیبی شکل می‌گیرد. برای تعیین این وجوه، شاخص‌های مطرح در خط‌مشی‌های الگوی تنزیلی و سنت نبوی و اوصیایی، به مدل‌های موجود از آینده‌نگاری راهبردی اعمال می‌شوند.

ب) پیشنهادها

با لحاظ نقش منطق مرجع تنزیلی در درون‌سازی دو یال مدیریت تفقه در دین‌بنیان پیشرفت (نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی) توصیه‌هایی ذکر می‌شود که به تحقق هر چه بهتر رویکردهای تحقیق و توسعه‌ای و مدل‌های آینده‌نگار کمک خواهد کرد.

۱. تحقق اهداف بعثت انبیایی در هر سه عرصه حیات فردی و به‌طور خاص اجتماعی و نیز تمدنی و راهبرنده برنامه‌ای قرآنی و به مدد آن، تحقق الگوی ترتیبی و اهتمام به مدل مفهومی اسلام قرآنی در نظام پژوهش تفسیری و بلکه مدیریت برنامه‌ای دانش قرآنی و نیز

بازشناسی الگوی تنزیلی به‌مثابه نظام برنامه مرجع اقدام توسعه‌ای در تحقق مدنیت و جامعه و حاکمیت و امت اسلامی؛

۲. ضرورت به رسمیت شناختن منطق مرجع تنزیل قرآن کریم در نقشه جامع اندیشه و دانش دینی، برای تمهید قابلیت کارآمدی فکر دینی و ظرفیت تحقیق و توسعه‌ای مدنیت معاصر اسلامی در مقتضیات پایدار جامعه هدف؛

۳. ضرورت به رسمیت شناختن مرجعیت منطق تنزیلی در عرصه‌های روش‌شناختی آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری راهبردی و سامان تحقیق و توسعه‌ای ملی و جریان‌بخشی به تفکر الگوی تنزیلی در آینده‌اندیشی اسلامی و نسبت آن با آینده‌اندیشی سکولار، کارکرد سنت آل‌البیت (ع) در تفصیل تعالیم برنامه‌ای در راه‌اندازی سامانه آینده‌نگاری راهبردی و نظام نوآوری منابع انسانی در تحقق تمدن نوین اسلامی؛

۴. پیشنهاد ایجاد گرایش دانشی رشته تخصصی آموزش پژوهش‌محور مطالعات تنزیلی در نظام ملی تولید علم و به‌طور خاص، تحصیلات تکمیلی نظام پژوهش و آموزش عالی قرآنی در معاضدت و دادوستد برنامه‌مند با نظام گرایشی، دانشی و رشته‌ای آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری راهبردی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛

۵. آزمون مدل‌های اجتماعی در مدیریت برنامه‌ای تغییر در عمل و شکل دادن به جزئیات آنها، ضمن اصلاح کلیات در راستای منطق مرجع و بومی‌سازی؛

۶. حرکت از کل به جزء برای بسط سامانه در سطح کشور و آشنایی کل جامعه با آینده‌نگری روش‌مند.

کتابنامه

- قرآن کریم.

۱. آکوچکیان، احمد و دیگران (۱۳۹۳). *اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، اندیشه ولایتمندی مدیریت تغییر*، تهران: انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲. اکرمی، ایوب؛ مرتضوی، سید محمد (۱۳۹۱). *مبانی و پیش‌فرض‌های رویکرد تفسیر ترتیب نزولی قرآن*، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، ۳ (۱۱)، ۱۰۹ - ۱۲۸.
۳. احمدعلی، اسعد (۱۹۹۶). *تفسیر القرآن المرتب منهج للیسر التریوی*، دمشق: انتشارات دارالسؤال.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۷۴). *پا به پا وحی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. _____ (۱۳۸۶). *سیر تحول قرآن*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۶. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۸). *درامدی بر اصول تحول فرهنگی*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۷. _____ (۱۳۸۷). *همگام با وحی*، قم: انتشارات سبط النبی.
۸. _____ (۱۳۹۳). *روش کشف الگوی اسلامی مهندسی فرهنگ*، قم: راهبرد فرهنگ، ۲۷، ۹۲ - ۱۱۸.
۹. _____ (۱۳۸۹). *رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول*، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۲ - ۶۳.
۱۰. _____ (۱۳۹۲). *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. پاپر، رافائل (۱۳۸۹). *روش‌های آینده‌پژوهی چطور انتخاب می‌شوند*، در: انتخاب روش‌های آینده‌نگاری، ترجمه سعید منزوی، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۲. پدرام، عبدالرحیم؛ جلالی‌وند، عباس (۱۳۹۰). *آشنایی با آینده‌پژوهی*، تهران: انتشارات

- مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۱۳. _____ (۱۳۹۱). روش‌شناسی آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۱۴. پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰). *عهدنامه امیر*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. پولارد، سیدنی (۱۳۵۴). *اندیشه ترقی تاریخ و جامعه*، ترجمه حسین اسدپور پیرانفر، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۶. تقوی، مصطفی (۱۳۸۷). *راهبردهای طراحی و راه‌اندازی رشته آینده‌پژوهی*، همایش آینده‌پژوهی، انتشارات نوآوری و همگرایی فناوری.
۱۷. جابری، محمد عابد (۱۳۸۷/۲۰۰۸). *فهم القرآن الحکیم، التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول*، جلد ۱، بیروت: انتشارات مرکز دراسات الوحده العربیه.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *تفسیر تنسیم*، جلد ۱، قم: انتشارات اسراء.
۱۹. حکیم، محمد باقر (۱۴۱۲ ق). *الهدف من نزول القرآن و آثاره علی منهجه فی التغبیر*، قم: انتشارات مؤسسه امام حسین (ع).
۲۰. _____ (۱۴۱۷ ق). *علوم قرآن، چ سوم*، قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.
۲۱. حکیمی، محمد رضا (۱۴۰۹ ق). *الحیات*، محمد حکیمی، علی حکیمی، چ پنجم، تهران: انتشارات مکتب نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. خزایی، سعید (۱۳۸۷). *راهنمای گام به گام آینده‌پژوهی راهبردی*، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۲۳. دروزه، محمد عزه (۱۳۸۳ ق). *التفسیر الحدیث*، قاهره: انتشارات عیسی البابی.
۲۴. رأفت سعید، محمد (۱۴۲۲ ق/۲۰۰۲). *تاریخ نزول القرآن الکریم*، دارالوفاء للطباعه و النشر و التوزیع.
۲۵. شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۹). *تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت*، پژوهش‌های قرآنی، ۱۶ (۶۲،۶۳)، ۹۰ - ۱۲۳.

۲۶. صدر، سید موسی (۱۳۸۹). *سنجش ادله موافقان و مخالفان تفسیر بر اساس ترتیب نزول*، پژوهش‌های قرآنی، ۱۶ (۶۳، ۶۲)، ۱۵۰ - ۱۶۵.
۲۷. صلاحی کجور، اسحق (۱۳۹۲). *طراحی مدل اسلامی - ایرانی آینده‌نگار راهبردی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۸. الضامر، عبدالرحمن (۱۴۳۵ ق / ۲۰۱۴). *تنزیل الایات علی الواقع نظره تاصیلیه*، بیروت: انتشارات دار ابن حزم.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۰. عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۷۵). *تفسیر سوره الفاتحه*، قم: انتشارات الهادی.
۳۱. عالی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی چه نسبتی با برنامه‌ریزی استراتژیک دارد*، تهران: انتشارات هنر رسانه اردیبهشت.
۳۲. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۳). *تدبری در آیات، با ترتیب نزول بر حسب سیاق تاریخی*، تهران: شرکت انتشارات قلم.
۳۳. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، زیر نظر علی‌اشرف صادقی (۱۳۸۹). *تهران: فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*، دفتر هفتم.
۳۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۹). *جستارهایی در مهدویت*، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۳۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۲). *تاریخ قرآن*، چ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
۳۶. ملاحویش آل‌غازی، سید عبدالقادر (۱۳۸۲ ق). *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول*، دمشق: انتشارات مطبعه الترقی.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه و تاریخ*، چ هجدهم، قم: انتشارات صدرا.
۳۸. نکونام، جعفر (۱۳۷۸). *بررسی جدیدترین نظریه درباره ترتیب آیات قرآن*، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، شماره ۱: ۲۰ - ۳۵.

۳۹. _____ (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران: انتشارات هستی‌نما.
۴۰. _____، *نقد و بررسی رویکردهای مختلف تفسیر بر اساس نزول*، پایگاه اینترنتی مدهامتان: آدرس: <http://nekoonam.parsiblog.com>
۴۱. نیازمند، سید رضا (۱۳۹۰). *شرحی بر قرآن به ترتیب نزول آیات*، اصفهان: انتشارات بنی هاشم.
۴۲. هاشمی، سید حسین (۱۳۸۹). *مبانی تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول*، پژوهش‌های قرآنی، ۱۶ (۶۲ - ۶۳)، ۷۲ - ۸۹.
۴۳. یونیدو (گروه آینده‌نگاری سازمان توسعه ملل متحد) (۱۳۸۷). *راهنمای آینده‌نگاری فناوری یونیدو*، ج ۱: سازمان و روش‌ها؛ سونیا شفیع اردستانی و همکاران، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
44. Conn, R.W. (1994). "Strategic goals and development pathways for fusion". Fusion Engineering and Design.
45. Godet, Michel, Durance, Ph., (2011). Strategic foresight for Corporate and Regional Development, DUNOD.
46. Kuosa, Tuomo, (2011). *Practicing Strategic Foresight in Government*. S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang (Singapore).
47. Malaska, Pentti, (2003). Futures and Penetration to the Futures, Acta Futura Fennica, Helsinki,